

مبانی اندیشه های سیاسی و برنامه های اجرایی بختیار

فلسفه و اصول عقاید سیاسی

بارها این پرسش با من در میان نهاده شده که اصول اندیشه ها و اعتقادهای سیاسی من چیست و برای تحقق آنها چه برنامه هائی را در نظر دارم ؟

در پاسخ این پرسشها نخست باید بگویم که من بارها اعتقاد خود را به يك رژيم سوسیال دمکرات اعلام داشته ام اما در اینجا به کوتاهی و در مقیاس بسیار کلی ، فلسفه سیاسی ، اصول اعتقادات و مبانی برنامه های اجرایی خود را که برای تحقق اندیشه هایم در نظر دارم ، برای آگاهی ملت ایران عرضه میدارم :

موضوع اندیشه بنیادی سیاسی من در يك کلمه " انسان " است و هدف من نيك بختی اوست . من هر برنامه اجتماعی و اقتصادی را افزاری برای تحقق به این هدف می پذیرم و چنین می اندیشم که انسان را در نقطه پیوند تولید و مصرف از دو دیدگاه متفاوت نگریسته اند و این خود تحلیلی است که سرانجام هدف را با وسیله جابجا کرده است ، دانشمندان اقتصاد ، انسان را به دیده " وسیله تولید " در دستگاه تولیدی نگریسته و عالمان اجتماعی آن را به " مصرف کننده " و در این گیرودار خود انسان به دست فراموشی سپرده شده است .

بر پایه این اندیشه فلسفی ، من سه اصل زیر را به عنوان اعتقادهای اساسی خود عنوان میکنم :

میهن دوستی

در بزرگ خانواده ایرانیان از دیر باز و به شهادت تاریخ مفهوم " میهن " از معنای ویژه بر خوردار بوده است و این مفهوم در فرهنگ ایرانی با همه هجوم های بیگانهان جای ممتاز و استوار و الای خود را نگاهداشته است و از همین رو احترام به میهن و پاسداری از آن را نخستین اصل می شناسم و به تجهیز نیروهای ملی برای پاسداری از آن و دفاع از مرز و بوم تاکید فراوان دارم . نکته ای که نباید فروگذارده شود این است که احترام به میهن و قوم ایرانی در بردارنده این معنی نیست که باید برتری قومی و نژادی ایرانیان را باور داشت و يك پانیسم یا تبعیض نژادی و قومی را پذیرا شد . و قتر سخن از احترام و دوستی متقابل میان ملت های جهان در میان است به طور طبیعی دیگر جایی برای برتریگرایی وجود نخواهد داشت .

آزادی

من برآنم که شکوفائی جامعه در همه زمینه های سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و هنری بی آنکه از آزادی بر خوردار باشد میسر نیست و خودکامگی فردی و گروهی یا حزبی در هر حال باز دارنده پویائی جامعه و در نتیجه بازدارنده کار پیشرفت و توسعه مطلوب است . تجربه تاریخ ، بهترین شاهد این مدعاست ، در همه دستگاه های خود کامه از هر گروه که بوده و هستند پیدائی خشک اندیشی ، کندی رشد و پیشرفت ، بی بند و باری خلاقیت انسان ها از بدیهی ترین دنباله های منطقی چنان رژیم ها ئی بوده است . و در اینگونه دستگاه ها به طور ذاتی امکان سود بردن از اندیشه ها از میان برداشته شده و علاوه بر آن انسانهای محیط که چون دیگر انسانها خواهان آزادی هستند از نیکبختی به دور مانده اند .

من انسان را به ذات ، خواهان و دوستار آزادی میدانم و نیکبختی او را چون دیگر نیازهای طبیعی به آزادی وابسته میشمارم . همچنین برآنم که حضور آزادی در يك دستگاه حکومتی بزرگترین فراهم ساز توان آفرینش انسان است و از همین رونگهداری جانب آزادی را در زمینه های بیان ، نگارش ، معتقدات سیاسی ، دینی و مذهبی ، اجتماعات و مانند اینها ضرورتی اجتناب ناپذیر میدانم و به رای اکثریت مردم در استقرار نهاد های قانون گذاری ، اجرایی و قضائی به خاطر تحقق یافتن حکومت مردم بر مردم احترام میگذارم و آن را از اصول معتقدات سیاسی خود میشمارم .

سوسیالیسم

من سوسیالیسم را به عنوان يك افزار توانا برای بر پا داشتن يك عدالت اجتماعی می شناسم و برآنم که توضیح دادگرانه در آمد ملی با تاکید بر سهم کار در تولید ملی شرط اصلی بقای جامعه انسانی است . به بیان دیگر باور داشتن این اصل که دادگری در گسترده ترین معنای خود تامین کننده نیکبختی انسان است و توزیع دادگرانه ثروت که یکی از ارکان عمده جانبداری از عدالت است و از سوی دیگر نقش " کار " چه برخاسته از اندیشه انسان باشد یا تن او سهم تعیین کننده ای را در تولید ملی داراست . توجه ویژه به چنین عامل بنیادی را به عنوان مبانی اساسی در توزیع ارزش افزوده ضروری میدانم و از آنجا که این معنی در دستگاه اقتصادی سوسیالیستی ، در عالیترین شکل علمی و منطقی

مورد توجه است ، استقرار این نظام را به عنوان يك مكانيسم تحقق بخش دادگري اجتماعي در ديده دارم و آن را از اصول مرامي خود ميشمارم . نا گفته نماند كه در جهان امروز سوسياليسم در يك طيف گسترده معاني مختلف به خود گرفته است و از آن جمله چنان سوسياليسمي است كه با جهان نكري مادي در آميخته و يگانه پايگاه ايدئولوژيك حزب ها و گروههاي گونه گون سوسياليستي است . گو اينكه درون اين گروهها تعارضها و تضادهاي داخلي چشمگيري موجود است اما پيروي از مكتب فلسفي مادي در همه آنها مشترك است . من باور داشتن جهاننگري مادي را شرط لازم براي باور داشتن سوسياليسم نميدانم و برآنم كه اعتقاد به خداوند و آفريدگار جهان و باور داشتن يگانگي پروردگار ، مخالف نظرات اقتصادي اين مكتب نيست .

اصول سياست ها ، برنامه ها و مكانيسم هاي اجرائي

من براي تحقق اصول سه گانه اي كه از آن ياد كردم ترسيم خط مشي ، انشاء سياست ها و استقرار مكانيسم هاي اجرائي متناسب را ضروري ميدانم كه در كلي ترين بيان ، رؤس آنها بدينقرار است:

حاکمیت ، حق مسلم و بی چون چرای مردم است . به بیان دیگر خواست و اراده مردم سر چشمه هر تصمیمی در نحوه اداره کشور است و در این اعمال اراده ، ملت ایران فارغ از آن که زن یا مرد باشند و از نظر دیانت ، در اکثریت باشند یا اقلیت ، برابرند . به بیان دیگر هویت تعیین کننده هر ایرانی در درجه نخست از تابعیت ملی او سرچشمه میگردد و در قلمرو حقوق ملی هنگامی که سخن از ایرانی می رود ، در بردارنده هر ایرانی است ، خواه مرد خواه زن ، خواه از اکثریت دینی ، خواه از اقلیت است . قلمرو دیانت و مذهب بیشتر بر احوال شخصی افراد نظارت دارد .

به نظر من اداره امور باید مبتنی بر اصل تفکیک قوای مقننه ، اجرائیه و قضائیه باشد .

قوه مقننه باید در چارچوب دو موسسه ، یکی مجلس شورای ملی و دیگری مجلس های ایالتی ، نهادهای قانونی ملی و منطقه ای را تصویب و عرضه کند .

دولت در مجموع ، عهده دار تعیین خط مشی سیاسی ، برنامه ریزی اجتماعی - اقتصادی جامع ملی و هم آهنگی آن و همچنین عهده دار دفاع از کشور و مرزهای آن در برابر تهاجم بیگانگان و پاسداری از استقلال کشور و پیشگیری از تجزیه آن از راه بسیج يك ارتش ملی و مردمی است . نیز ، دولت عهده دار تنظیم روابط خارجی و ترسیم خطوط اصلی سیاست خارجی در چارچوب استقلال اقتصادی و سیاسی کشور با رعایت احترام متقابل و دوستی با سایر دولت ها ست .

در تنظیم سیاست های اقتصادی و اجتماعی مبانی زیرین در نظر است :

* * منابع طبیعی چون : دریا ، مرتع ها جنگل ها آبهای زراعی ، معادن و زمین در مقیاس های بزرگ ، از آن همه مردم ایران است .

* * مبنای مزد اقتصادی ، مزد برابر برای کار برابر است و نقش کار در ایجاد میزان ارزش افزوده تعیین کننده میزان مزد اقتصادی است .

* * مبنای مزد اجتماعی ، حداقل نیاز انسان است برای تامین زندگانی .

* * مالکیت تاسیسات ، اعم از تاسیسات تولید کشاورزی یا تاسیسات آن گروه از صنایع که مالکیت خصوصی آنها مجاز شناخته شود یا برای مسکن برقرار شده باشد ، محترم است .

* * مالکیت نقدینه و اوراق بهادار ، در قلمروی مالکیت خصوصی است و برحسب نوع و میزان آن مشمول مالیات است .

* * طرح ریزی و اجرای برنامه های کشاورزی از اولویت ویژه برخوردار است . این برنامه ها باید از يك سو با برنامه های صنعتی و از سوی دیگر در پیوند با نیازهای ملی به مواد خوراکی هم آهنگ شود . نیز در برنامه های کشاورزی توسط زارعان ، خدمات دفع آفات نباتی ، کمک به مکانیزه کردن کشاورزی توسعه شبکه آبیاری و

مانند آنها بر عهده دولت است. سازمان تولید باید بر مبنای نهاد های ملی و مردمی و با توجه ویژه به سنت های دیرین منطقه ای با نظر کشاورزان سامان بگیرد.

* * برنامه ریزی توسعه صنعتی باید در جهت بی نیازی هر چه بیشتر کشور به قدرت های صنعتی خارجی و ساخت صنایع مولد در ایران و از سوی دیگر مکمل برنامه های توسعه کشاورزی باشد.

* * صنایع زیر بنایی و صنعت نفت ملی است و صنایع بزرگ مصرفی میتواند از راه سرمایه گذاری دولت و مردم اداره شود. و صنایع کوچک و صنایع سنتی در مالکیت مردم است. در همه این صنایع اعمال سیاست استثمار زدائی ضروری است.

* * بهره برداری از معادن بزرگ و اساسی ملی است و بهره برداری از معادن سطح الارضی که درجات دوم و سوم اهمیت است میتواند خصوصی باشد.

* * بهره برداری از منابع کشاورزی به حسب ابعاد تولید، خصوصی و یا با مشارکت دولت است.

* * خدمات بانکی مطلقاً تحت ارشاد و هدایت برنامه های دولتی است.

* * خدمات بیمه ای از هر گونه که باشد ملی است.

* * بازرگانی داخلی آزاد است و دولت تنها در برنامه های خود اعمال سیاست های پیشگیری از تورم را در نظر خواهد داشت.

* * در بازرگانی خارجی با تاکید بر دوری جستن از تکیه تولیدی و گرایش به تنوع بخشیدن به تولیدات کشاورزی و صنعتی، چنان سیاستی مورد نظر است که در آن جانب داری از ورود تکنولوژی صنایع مولد و سرمایه گذاری های تولیدی بطور موکد ملحوظ باشد و دولت در سرمایه گذاری های ضروری و بزرگ که مردم توانائی آن را ندارند با مردم مشارکت و آنها را یآوری خواهد کرد، در تنظیم سیاست بازرگانی خارجی توجه به سرمایه گذاری های کارزا در پیوند با سیاست کار و اشتغال مورد نظر خواهد بود.

* * در تنظیم سیاست کار، توجه به خشنودی انسان کار آفرین از کار، اصل است و مدل های اشتغال در پیوند با سیاست های کلی اجتماعی - اقتصادی و میزان ایجاد کار سرمایه گذاریها ترتیب داده میشود. همچنین در ترسیم خطوط کلی سیاست کار، ملاحظات مربوط به منابع انسانی، آموزش نیروی کار با توجه ویژه به فرهنگ ایرانی مورد نظر خواهد بود. سر انجام در این زمینه آزادی انسان کار آفرین در گزینش پیشه و کار، باید به عنوان يك عامل تعیین کننده در نظر باشد.

* * در تنظیم سیاست های اجتماعی و فرهنگی کار پژوهش و تحقیق، در تمام زمینه های اجتماعی، اقتصادی، علمی، تکنولوژی و هنری بویژه با تاکید بر مسائل نا شناخته فرهنگ ایرانی و مردم آن از مقام والابرخوردار خواهد بود.

* * پرورش جسمانی و روانی و اعتلای دانش اجتماعی مردم بعنوان يك بعد تعیین کننده در تمام برنامه های اجتماعی باید ملحوظ باشد.

* * طب پیش گیری و در مانی برای همه مردم است. و دولت در این باره از راه سرمایه گذاری های بزرگ، توزیع عادلانه این خدمات ها را تضمین میکنند.

* * آفرینش هنری و شکوفایی و بارور شدن آن، وابسته به آزادی آن است و در برابر، هنر راستین از عمده پاسداران آزادی است. در تنظیم سیاست برنامه های فرهنگی و هنری، اصل آزادی آن باید مورد توجه ویژه باشد و شناساندن هویت ملی در ژرفترین معنای خود باید مورد نظر باشد و تقویت نهاد های فرهنگی و هنری مردمی و کمک به پرتوانی آن بر عهده نهاد های مردمی و جامعه است.

* * خدمات شهری و روستائی از نظر تغذیه مالی بعهده دولت است و در چار چوب این خدمات کار باز سازی روستا ها، طرح حمل و نقل های شهری، استقرار سیستم های مخابراتی، احداث پارکها، کتابخانه ها، تئاتر و

سینما ها و مراکز آموزش و پرورش و ورزشگاهها تامین بهداشت محیط و آب آشامیدنی بهداشتی روستا ها و شهر ها از اولویت ویژه برخوردار خواهد بود .

* * رفاه اجتماعی هرگز بعنوان يك عامل باز دارنده شتاب رشد دستخوش تعطیل نخواهد شد . اصل بر این است که " انسان " اساس و بنیاد اندیشه هر برنامه توسعه است و " رشد" تابعی از این اصل خواهد بود . در این میان ، نهاد هایی چون كمك به تهیه مسکن ارزان ، بر قراری نهاد مزد اجتماعی ، بیمه های درمانی و از کار ارزان ، بر قراری نهاد مزد اجتماعی ، بیمه های درمانی و از کار افتادگی و پیری و بیکاری و حمایت و ایمنی انسان از جنین تا گور باید مورد توجه باشد .

* * نحوه اداره امور دولت باید مبتنی بر الغای این اصل به کارکنان دولت در تمام مراتب باشد که اینان خدمتگذار مردم اند و از این راه و با اعمال کنترل شدید در نگاهداشت این اصل میتوان امید داشت که نظام بوروکراسی و دیوان سالاری جای خود را به يك دستگاه گشاینده مشکل های مردم بدهد .